

بلاای طبیعی می‌تواند زمینه را برای تقویت مذاکرات ناتو و سازمان همکاری شانگهای فراهم کند.

بنابراین در این سناریو می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که: گرچه در بلندمدت باوجود تداوم رقابت سازمان همکاری‌های شانگهای با سازه‌های غربی مثل ناتو، باتوجه به روندهای فرامنطقه‌ای امکان تقابل جدی بین مسکو و پکن از یک‌سو و واشنگتن و بروکسل از سوی دیگر در آسیای مرکزی دور از ذهن است. چین و روسیه از روابط مثبت با غرب استقبال می‌کنند. آمریکا روابط اقتصادی مستحکمی با چین دارد. آمریکا به مدرنیزاسیون اقتصاد چین کمک می‌کند و درمقابل پکن بازارهای آمریکایی را اقناع می‌کند. روسیه نیز برای ورود به سازمان تجارت جهانی همچنان نیازمند کمک و مساعدت آمریکاست. درنتیجه حداقل درمیان‌مدت روندهای موجود، موجب همکاری و همسویی این قدرت‌ها در منطقه خواهد بود. ناتو از برانگیختن حساسیت روسیه و چین امتناع می‌کند و مسکو و پکن نیز باتوجه به ملاحظات ملی و منطقه‌ای ناگزیر از رعایت ملاحظات آمریکا و ناتو در منطقه هستند. لذا تمایل ایران برای پیوستن به سازمان همکاری شانگهای نباید به معنای صف‌بندی در مقابل غرب باشد. چنانچه به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهمی که ایران را از عضویت کامل در این سازمان بازداشته، نگرانی‌های سران شانگهای از مواضع ضد غربی ایران بوده است.

ح) همکاری‌های میان ناتو و سازمان همکاری شانگهای و منافع ملی ایران: درصورت همکاری ناتو و سازمان همکاری شانگهای و باتوجه به سیاست آمریکا درقبال ایران و گسترش روابط این کشور با روسیه و چین به نظر نمی‌رسد به سود ایران باشد. ایران دیگر نخواهد توانست از رقابت میان آمریکا و روسیه به نفع خود استفاده کند. با اتحاد روسیه و آمریکا یعنی دو قدرت خشکی و دریایی با یکدیگر درقبال ناتو و سازمان همکاری شانگهای، نقشه ژئوپلیتیک جهان به زیان کشور ایران خواهد شد. باتوجه به جایگاه ایران در صحنه بین‌الملل و همچنین مرادوات قدرت پایه میان چین و روسیه از یک‌سو و بلوک غرب ازسوی دیگر، احتمال مورد مصالحه قرار گرفتن ایران در صحنه رقابت‌های سیاسی وجود دارد.